

**Journal Iranian Political Sociology**

**Vol. 4, No. 2, Summer 2021**

2022, 206500, 1348/psi.10, 3051. <https://doi.org/>

**Compensation for victims of crimes against humanity under international law with emphasis on the Statute of the International Criminal Court (ICC)**

**The need for an effective criminal policy in any legal system is to pay attention to the rights of victims and fully compensate them for the harm caused by crime, so that the specific position of crimes against humanity can be examined among other international crimes. Rules and regulations relating to compensation for victims of crimes against humanity from the beginning of the recognition of this concept in international criminal courts, including the statutes of the International Criminal Court of Nuremberg and Tokyo, the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia and Rwanda, and subsequent efforts by the Court. International criminal law in this regard and criteria The provisions of this Code and the Rules of Procedure of the Court, as well as the review of important rulings and the judicial procedure of these courts regarding the compensation of victims, are discussed in this statute and according to regional efforts to compensate victims, including in European conventions and The American Human Rights Watch notes the most important cases of the International Criminal Court and the role of the Trust Fund in compensating victims of such crimes. Although positive steps have been taken to improve the rights of individuals with existing rules to compensate, it seems that all these measures have failed. Makes it happen Forgiveness of full restorative justice and compensation for victims of crimes against humanity, Keywords: Compensation, Victims, Crimes against Humanity, Restorative Justice, International Criminal Court**

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره دوم  
(پیاپی ۱۱) تابستان ۱۴۰۰، صص ۵۲۹-۵۱۲

### جبران خسارت بزه‌دیدگان جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

امانی بابادی، امین<sup>۱</sup>

میرعباسی، سید باقر<sup>۲</sup>

تقی زاده، ابراهیم<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲

#### چکیده

لازمه یک سیاست جنایی کارآمد در هر نظام حقوقی توجه به حقوق بزه‌دیدگان و جبران کامل زیان‌های وارده بر آنان از رهگذر وقوع جرم است که بتوان جایگاه خاص جنایات علیه بشریت در میان سایر جنایات بین‌المللی بررسی کرد. بررسی روند شکل‌گیری قواعد و مقررات مربوط به جبران خسارت بزه‌دیدگان جنایات علیه بشریت در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از جمله در اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی نورنبرگ و توکیو، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و پس از آن، تلاش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در این راستا و معیارهای مندرج در این اساسنامه و مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان و همچنین بررسی آراء مهم صادره و رویه قضایی این محاکم در خصوص جبران خسارت بزه‌دیدگان پرداخته شده است و با توجه به تلاش‌های منطقه‌ای در جهت جبران خسارت بزه‌دیدگان از جمله در کنوانسیون‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر به بیان مهم‌ترین پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی و نقش مهم صندوق امانی در پرداخت غرامت قربانیان این‌گونه جرایم توجه می‌گردد و اگرچه گام‌های مثبتی در ارتقاء حقوق اشخاص با ضوابط موجود جهت جبران خسارت برداشته شده است.

**واژگان کلیدی:** جبران خسارت، بزه‌دیده، جرایم علیه بشریت، عدالت ترمیمی، دیوان کیفری بین‌المللی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استاد گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> استاد گروه الهیات، معارف و حقوق، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

شناسایی مفهوم جنایات علیه بشریت<sup>۱</sup> در یک روند تاریخی با ملاحظه اولین معاهدات مهم بین المللی از جمله کنوانسیون های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تفکیک دقیقی میان جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی صورت پذیرفته است و اولین بار پس از وقوع قتل عام صورت پذیرفته نسبت به ارامنه ترکیه، سه قدرت بزرگ جهان شامل انگلیس، فرانسه و روسیه در سال ۱۹۱۵ طی اعلامیه مشترکی جنایات علیه بشریت و تمدن را مورد شناسایی قرار داده و مرتکبان آن را واجد مجازات معرفی می نمایند و در کنوانسیون صلح ورسای ۱۹۱۹ اگر چه به کرات از واژگان جرایم علیه قوانین بشری، نقض قوانین علیه بشریت و از این قبیل استفاده می شود ولی در هیچکدام از مواد آن تعریف مشخصی از جرایم علیه بشریت ارائه نمی شود. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۳۶) با تأسیس سازمان ملل متحد و تشکیل دو محکمه نورنبرگ و توکیو به موضوع جنایات علیه بشریت توجه ویژه ای می شود و از آنجایی که بر طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی بر عهده شورای امنیت قرار گرفته بود، این شورا با استفاده از اختیار مندرج در ماده ۲۹ منشور، دست به تشکیل یک مرجع قضایی کیفری می زند و با تصویب قطعنامه های ۸۰۸ و ۸۲۷ و پس از بروز جنایات وسیع در یوگسلاوی<sup>۲</sup> سابق در فاصله میان سال های ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۵ دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در شهر لاهه هلند باهدف محاکمه جنایتکاران جنگی و نسل کشی تا سیس میگردد و این محکمه دارای صلاحیت جهت محاکمه جنایتکاران جرایم علیه بشریت نیز بوده است و به لحاظ نداشتن محدودیت زمانی نسبت به جنایات علیه بشریت در سال ۱۹۹۹ در کوزوو نیز اعمال صلاحیت می نماید. (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۶). جنایات علیه بشریت را شامل حمله گسترده و نظام مند باهدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی می داند که با علم به آن ارتکاب می یابد و سه عامل وقوع حمله علیه جمعیت غیرنظامی، گستردگی یا سازمان یافتگی حمله و علم به حمله برای تحقق جنایات علیه بشریت مهم و ضروری در نظر گرفته می شود به نحوی که برای تحقق حمله تعدد ارتکاب این اعمال لازم است از این که تکرار یک نوع جنایت باشد یا انواع متعدد آن که در ماده ۷ اساسنامه ۱۱ عنصر مادی را شامل میگردد. (Werle, ۲۰۰۵: ۲۲۴)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸، «اعلامیه اصول پایه عدالت برای قربانیان جنایت و سوءاستفاده قدرت» را تصویب کرد. حقوق بزه دیدگان برای دسترسی به عدالت،

<sup>۱</sup>Crimes against humanity

رفتار مذصفانه، خسارت، جبران و مساعدت را مشخص کرده است. ( UN doc. E/CN.۱۵/۱۹۹۷/۱۶) طبق بند ۱ اعلامیه اصول پایه عدالت برای قربانیان جنایت و سوءاستفاده از قدرت، واژه **قربانی**<sup>۳</sup> به معنای اشخاصی است که به لحاظ فردی یا جمعی آسیب دیده باشند از جمله صدمه فیزیکی یا روانی، رنج احساسی، خسارت اقتصادی یا تضییع حقوق بنیادین که در نتیجه اقدامات یا قصور ناقض قوانین جزا در کشورهای عضو روی دهد؛ قوانینی که سوءاستفاده از قدرت را منع می‌کنند. در سطح منطقه‌ای، اعضای شورای اروپا در سال ۱۹۸۳، کنوانسیون اروپایی جبران وضعیت قربانیان جنایات خشونت بار را منع کردند. این کنوانسیون در اول فوریه ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون اروپایی جبران وضعیت قربانیان جنایات خشونت بار هیچ تعریف صریحی از واژه «قربانی» ارائه نکرده است و تنها هنگامی دولت را موظف به ارائه جبران می‌کند که «جبران به صورت کامل از منابع دیگر تأمین نشود». علاوه بر این، تنها دو دسته از قربانیان واجد شرایط دریافت این جبران هستند: «کسانی که صدمه فیزیکی دیده‌اند یا سلامتی آنها مستقیماً به واسطه جنایت خشونت بار عمدی آسیب دیده است و وابستگان افرادی که در نتیجه چنان جنایتی، فوت کرده‌اند». ( ماده (b), (a) ۱) ۲. ناتوانی عدالت کیفری سنتی موجب پدیدار شدن رویکرد های جدیدی نسبت به پدیده مجرمانه، آثار و چگونگی مقابله با آن شده است که از مهمترین آنها رویکرد «مکتب عدالت ترمیمی»<sup>۴</sup> است. اصطلاحاتی نظیر عدالت جامعوی<sup>۵</sup>، عدالت محلی<sup>۶</sup>، عدالت ترمیمی جامعوی<sup>۷</sup>، عدالت غیررسمی<sup>۸</sup>، عدالت سبز<sup>۹</sup>، عدالت عقلانی<sup>۱۰</sup>، عدالت التیام دهنده<sup>۱۱</sup>، عدالت انسانی و مردمی<sup>۱۲</sup>، عدالت پویا<sup>۱۳</sup>، عدالت همسایگی<sup>۱۴</sup>، عدالت کیفری متوازن ترمیمی<sup>۱۵</sup>، عدالت کیفری جانشین<sup>۱۶</sup>، عدالت بزهدیده مدار<sup>۱۷</sup>، هر کدام از جنبه و دیدگاهی به این حقیقت چندبعدی نگرسته و وجهی از وجوه این حقیقت رو به رشد را متعاضد و برجسته تر نشان

<sup>۳</sup> Victim

<sup>۴</sup> Restorative justice

<sup>۵</sup> Community justice

<sup>۶</sup> Proximate justice

<sup>۷</sup> Restorative community justice

<sup>۸</sup> Informal justice

<sup>۹</sup> Green Justice

<sup>۱۰</sup> Rational justice

<sup>۱۱</sup> Curative healing justice

<sup>۱۲</sup> Humanistic, Folklore justice

<sup>۱۳</sup> Transformative Justice

<sup>۱۴</sup> Neighborhood justice

<sup>۱۵</sup> Balanced restorative justice

<sup>۱۶</sup> Alternative criminal justice

<sup>۱۷</sup> Victim Sensitive Justice

داده‌اند. برنامه عدالت ترمیمی<sup>۱۸</sup>. « برنامه‌هایی است که فرایند ترمیم گرا به کار گرفته و هدفشان به نتایج جبرانگر و ترمیم گراست». این ترمیم و باز سازی شامل باز سازی و احیای روابط انسانی مختل شده به واسطه جرم، ترمیم گسست‌های ایجاد شده در بافت‌های اجتماعی، احیای موقعیت اجتماعی و حقوقی بزه دیده در جامعه، درمان ضربه‌های روانی وارد شده بر بزه‌دیده، و نیز مشارکت فعال و سازنده اصحاب دعوی کیفری و جامعه در حل مسایل ناشی از جرم می‌شود (عباسی، ۱۳۸۲: ۹۶).

### ۱. پیشینه پژوهش

فلاح سیاه خاله سر و فضائلی (۱۳۹۸) در پژوهشی که تحت عنوان عقیم سازی اجباری مصدافی از جرم و جنایت علیه بشریت در پرتو رویه دادگاه ویژه رواندا انجام دادند که دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ توسط شورای امنیت سازمان ملل برای محاکمه افرادی که هورد سوا ستفاده های بشردو ستانه بین المللی در یوگسلاوی سابق بودند، تشکیل شد، کمتر از یک سال پس از جنایات رواندا، شورای امنیت دومین دادگاه کیفری بین المللی ویژه را نیز تأسیس کرد. دادگاه مجاز به پیگرد قانونی عاملان قتل عام و سایر موارد نقض قوانین بین المللی بشردو ستانه در رواندا بود. تأسیس این دو دادگاه نتیجه بحرانهایی بود که در سالهای پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمد و دولت‌ها را بر آن داشت تا افکار عمومی را تحت فشار قرار دهند تا ملاحظیات سیاسی موجود را کنار بگذارند و دادگاه کیفری بین المللی دائمی ایجاد کنند. موافقت کرده و آن را آغاز یک تغییر چشمگیر در تاریخ حقوق بشر و تحقق عدالت کیفری بین المللی در دوره جدید بدانید. دادگاه به دولت های استبدادی یادآوری می کند که به خاطر اهداف جنگ طلبانه و ضد بشری عدالت را فدای سیاست نکنند. به همین دلیل است که مجازات کیفری مجرمان مسئول "نسل کشی"، "جنایات علیه بشریت" و "جنایات جنگی" دیگر توسط جامعه بین المللی قابل تحمل و نادیده گرفته نمی شود.

موسوی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی جنایات علیه بشریت در نسل‌های دادگاه های بین‌المللی کیفری با تأکید بر دادگاه یوگسلاوی سابق پرداختند که طبق ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، تحت عنوان "جنایت علیه بشریت"، مقرر می‌دارد که دادگاه صلاحیت رسیدگی به افرادی را دارد که مسئول جنایات زیر هستند، در صورتی که در یک درگیری مسلحانه، چه داخلی و چه بین المللی، و علیه غیرنظامیان مرتکب شده‌اند: ۱- قتل عمد؛ ۲- نابود کردن؛ ۳- برده داری؛ ۴- اخراج؛ ۵- حبس؛ ۶- شکنجه؛ ۷- ناموس توهین آمیز؛ ۸-

<sup>۱۸</sup> Restorative justice

آزار و شکنجه به دلایل سیاسی. ۹- سایر اعمال غیرانسانی. ماده ۳ اساسنامه دادگاه رواندا همان ماده ۵ اساسنامه یوگسلاوی سابق در تعریف جنایات علیه بشریت است، با این تفاوت که ماده اساسنامه یوگسلاوی سابق را که جنایات باید در طی درگیری مسلحانه انجام شود حذف می کند. با این حال، ماده ۳ اساسنامه دادگاه رواندا صلاحیت دادگاه را برای تعقیب مسئولین جرایم توصیف شده از جمله "در چارچوب حمله گسترده یا سازمان یافته به مردم" محدود می کند.

حاجی ده آبادی و شمس ناتری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مطالعه جرم شناختی ساختار روانی مرتکبان جرائم علیه بشریت پرداختند که جنایات علیه بشریت نقض فاحش قوانین کیفری بین المللی و اشکال خارق العاده خشونت جمعی است که مدتهاست جرم شناختن به دلایل مختلف از آنها چشم پوشی می کنند. با این حال، از آنجا که از تکرار تعقیب، تعقیب و مجازات مرتکبان چنین جنایاتی جلوگیری نشده است، تحقیقات کیفری این جنایات کم کم موثری به عدالت کیفری بین المللی در برخورد آگاهانه با آنها و دستیابی به سیاست کیفری بین المللی خواهد بود در پیشگیری از چنین جنایاتی موثری است.

## ۲. روش تحقیق

روش ما در این پژوهش یک تحقیق توصیفی و کاربردی بوده به این معنی که با استفاده از روش های تحلیل و استدلال عقلانی، از نتایج آن برای الگو سازی استفاده شده است. روش پژوهش، شیوه برخورد نظام مند یا تحقیق جامع است که در این شیوه پژوهشگر ضمن طی مراحل جمع آوری داده ها و اطلاعات و پردازش آنان، به تجزیه و تحلیل یافته ها می پردازد.

## ۳. چارچوب نظری پژوهش

در سطح بین المللی، جنایاتی مانند جنایات علیه بشریت، نسل کشی و جنایات جنگی از حقوق اساسی بشر است، از جمله حق زندگی، حق آزادی و حق امنیت. حمله می کند و آن را جدی نقض می کند. بنابراین، تشکیل روند بین المللی در تعقیب و مجازات عاملان جنایات فجیع و فاجعه بار بین المللی به منظور جلوگیری از نقض حقوق بین الملل بین المللی تحت قوانین بین المللی کیفری خواهد بود (رضوی فرد، ۱۳۹۲: ۱۳۶). قرن گذشته، بیش از هر دوره دیگری در تاریخ بشر، شاهد کشته شدن مردم به طرق مختلف، جنگ و آزار و اذیت مردم توسط رژیم ها بوده است. بیشتر این سواستفاده ها به عنوان جنایات علیه بشریت شناخته می شوند. این عبارت به بیانیه صادر شده توسط دولت های فرانسه، انگلیس و روسیه در ۲۴ مه ۱۹۱۵ برمی گردد، که در آن آنها جنایاتی را که امپراتوری عثمانی علیه مردم ارمنستان مرتکب شده بود، به عنوان جنایات علیه بشریت بیان می کرد. در طی جنگ جهانی اول حدود

۲۰ میلیون نفر کشته شدند. بیشترین تلفات شبه نظامیان بود و مرگ غیرنظامیان غالباً پیا مدهای ناخواسته جنگ بود<sup>۱۹</sup>. این شرایط در ترکیه بسیار چشمگیر بود، زیرا قتل عام حدود ۲۰۰ تا ۸۰۰ هزار شهروند ارمنی در آن اتفاق افتاد. این بیانیه اظهار می کرد که «با وجود این جنایات جدید ترکیه علیه بشریت و شهروندان، دولت‌های متحد به صورت علنی به بزرگان دولت عثمانی اعلام می کنند که آنها شخصاً مسئول این جرائم اعمال شده توسط دولت عثمانی و همچنین نمایندگانشان که در این کشتارها دست دارند، می باشند»<sup>۲۰</sup> در سال ۱۹۱۹، کمیسیون متفقین (به غیر از آمریکا و ژاپن) درخواست داد خواهی از مقامات ترکیه را که مقصرا این کشتارها بودند، داشتند. این تقاضا در مقدمه توافقنامه ۱۹۰۷ لاهه مطرح شد که در آن به «قوانین بشریت» اشاره شد، اما یک پیوست مخفیانه در پیمان نامه لوزان به عفو شدن ترکیه برای این اتهامات و اینکه هرگز پیگرد قانونی صورت نگرفته است، اشاره دارد.

**۱- جبران خسارت در دادگاه کیفری بین المللی نورنبرگ<sup>۲۱</sup> (۸ اوت ۱۹۴۵)**

نمایندگان کشورهای اشغال شده در جنگ جهانی دوم که به لندن پناهنده شده بودند در تاریخ سیزدهم ژانویه ۱۹۴۲ طی اعلامیه ای که به اعلامیه سنت جیمز معروف است، تنبیه و مجازات جنایتکاران جنگی را یکی از اهداف ادامه جنگ اعلام داشتند و در اکتبر ۱۹۴۴ هفده کشور که با آلمان در جنگ بودند «کمیسیون جنایات جنگی» را تشکیل دادند و این موضوع در کنفرانس مسکو مورد تأکید روزولت، استالین و چرچیل قرار گرفت، سرانجام پس از اتهام جنگ در اوت ۱۹۴۵ به موجب منشور لندن نمایندگان چهار کشور متفق در مورد تشکیل دادگاه بین المللی نورنبرگ به توافق، از نظر حقوقی محاکمات نورنبرگ نقطه عطفی در تاریخ حقوق کیفری بین المللی محسوب می شود. دادگاه توكيو برای محاکمه جنایتکاران بین المللی در جبهه خاور دور، بلکه در دیگر دادگاه های کیفری بین المللی از جمله دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا و حتی دیوان کیفری بین المللی به کار گرفته شد و قضات این دادگاه بین المللی از بین سران آلمان نازی سه نفر را تبرئه کردند، ۱۲ نفر از متهمان از جمله فریک، فرانک، زوکل، برونر، روزنبرگ و بورمان که شخص اخیر به طور غیابی محاکمه شد و به مجازات اعدام محکوم شد. سه نفر هم به حبس های کوتاه مدت و بلند مدت با اعمال شاقه محکوم شدند. در مجموع با توجه به وضعیت خاص حاکم بر زمان تشکیل این محاکمه صرفاً بر

<sup>۱۹</sup> (John Keegan, The First World War ۲۲-۲۳ (۲۰۰۰)).  
<sup>۲۰</sup> (United Nations War Crimes Commission, ۳۵, ۱۹۴۸).  
<sup>۲۱</sup> International criminal tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)

۱۰۰۳۱ (۱۳۹۴) شماره ۲۱، فصل ۱۳، شماره ۱۳۰، فصل ۱۳، شماره ۱۳۰

محکومیت کیفری مجرمان جنگ جهانی تأکید داشته است به نحوی که در آرای صادر شده از دادگاه نورنبرگ اثری از جبران خسارت مشاهده نمی‌شود. (آراکادی، ۱۳۷۷: ۲۰)

## ۲- جبران خسارت در دادگاه کیفری بین‌المللی توکیو<sup>۲۲</sup> (۱۹ ژانویه ۱۹۴۶)

به موجب ماده ۵ منشور نورنبرگ در صورت نیاز علاوه بر دادگاه نورنبرگ امکان تشکیل دادگاه‌های دیگر جهت محاکمه جنایتکاران جنگ جهانی در نظر گرفته می‌شود و نحوه تأسیس و وظایف و آیین دادرسی این دادگاه‌ها مشابه دادگاه نورنبرگ و تابع مقررات این منشور در نظر گرفته می‌شود و در اجرای ماده فوق‌فراوانده آمریکایی منطقه خاور دور ژنرال مک آرتور در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ طی اعلامیه‌ای که منشور دادگاه نیز به پیوست آن بود، تشکیل دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو را اعلام کرد (۱۴۵۷: ۲۰۰۶ oriealphons) محکمه توکیو به جرایم سران مهم ژاپن که در جبهه خاور دور مرتکب جنایات علیه صلح شده بودند رسیدگی می‌نمود و در این محکمه نیز همان ایراداتی که در خصوص دادگاه نورنبرگ مطرح بود و از جمله ایراد مربوط به عدم رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مشهود است و همچنین در این اساسنامه تعریفی از جنایات علیه صلح ارائه شده است که با تعریف آن در دادگاه نورنبرگ متفاوت است.<sup>۲۳</sup>

## ۳- جبران خسارت در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق<sup>۲۴</sup> (۲۵ می ۱۹۹۳)

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ به استناد به اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد و به موجب قطعنامه‌های ۸۰۸<sup>۲۵</sup> و ۸۲۷<sup>۲۶</sup> برای نخستین بار با اقدام به تشکیل یک مرجع قضایی کیفری می‌نماید که در این خصوص علاوه بر گستردگی میزان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سرزمین مزبور، پایان جنگ سرد و شعار نظم نوین بین‌المللی عامل دیگری بود که به فکر تأسیس مرجع قضایی بین‌المللی جهت اعاده صلح و امنیت در سرزمین یوگسلاوی سابق بیافتد و در همین راستا دادگاه کیفری بین‌المللی

<sup>۲۲</sup>International Military Tribunal for the Far East (IMTFE)

<sup>۲۳</sup>در ماده ۵ اساسنامه این دادگاه، تهیه کردن، ترتیب دادن، شروع و تعقیب جنگ تهاجم اعم از این که رسماً اعلام شده باشد یا نه، جنایت علیه صلح تلقی شده استدر حالی که این قید در اساسنامه دادگاه نورنبرگ پیش‌بینی نشده بود و علت ذکر این موضوع در اساسنامه توکیو این بود که مخاصمات در خاور دور از مدت‌ها قبل بدون اعلام قبلی شروع شده بود.

<sup>۲۴</sup>International criminal tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)

<sup>۲۵</sup>Sc res. ۸۰۸ (۱۹۹۳)

<sup>۲۶</sup>Sc res. ۸۲۷، ۲۵ may ۱۹۹۳



یوگسلاوی سابق در این سال ایجاد می گردد. با کشته شدن حدود ۲۵۰ هزار نفر شهروند و مورد تجاوز قرار گرفتن بیش از ۲۰ هزار زن و آواره شدن حدود ۲ میلیون نفر در فاصله میان آن سالها، انتشار خبر این دیوان، اقدام بسیار محدودی بود که بیش از آنکه اراده جامعه بین-المللی را در اتخاذ مواضع اصولی نشان دهد، ظاهراً حاکی از ناتوانی آن در انجام اقدامات بنیادی تر بوده است (گرین وود، ۱۳۸۴:۷۳). در این دادگاه به موضوع جبران خسارت بزه دیده با این توضیح که میزان خسارت ناشی از جرم را در تعیین مجازات مؤثر می داند به نحوی که در مادهی ۲۴ اساسنامهی این دادگاه مجازاتی را که شعبهی بدوی می تواند نسبت به آن حکم دهد منحصر به مجازات حبس دانسته و مقرر داشته است که در تعیین مدت حبس، میزان خسارات ناشی از جرم لحاظ خواهد شد و همچنین طبق پاراگراف سوم همین ماده، شعب بدوی در تعیین مجازات به عواملی نظیر اهمیت جرم و ویژگی های فردی محکوم علیه نیز توجه می نماید و قاعدهی ۱۰۱ آیین دادرسی و ادلهی دادگاه یوگسلاوی سابق در تعیین میزان مجازات ها ضمن پذیرش امکان تعیین حبس ابد در بند «الف» با تأکید بر فاکتورهای مصرح در پاراگراف دوم مادهی ۲۴ اساسنامه در تعیین میزان حبس فاکتورهای دیگری را شامل شرایط و وضعیت تشدیدکننده<sup>۲۷</sup> و یا تخفیف دهنده<sup>۲۸</sup> مجازات مشتمل بر همکاری با دادستان قبل و بعد از محاکمه را مقرر می نماید و وضعیت بزه دیده و خسارت های وارد بر وی در تعیین مجازات حبس لحاظ می گردد اما می توان بر این عقیده بود که شرایط و وضعیت تشدیدکننده مجازات (موضوع بند «ب» قاعدهی ۱۰۱) می تواند ناشی از اهمیت خسارت های حاصل از وقوع جرم، وضعیت بزه دیده از حیث سن و جنس و یا نوع بزه ارتكابی مانند تجاوزات جنسی باشد ضمن آنکه جبران خسارت بزه دیده یا اقدام و تلاش برای جبران خسارت می تواند از مصادیق شرایط تخفیف دهنده موضوع بند «ب» همین قاعده در نظر گرفته شود. در تفسیر مواد فوق نسبت به تعیین جایگاه بزه دیده شاید بتوان گفت عبارت «مقتضیات اجرای عدالت» مندرج در مادهی ۲۸ اساسنامه می تواند به نفع بزه دیده نیز تفسیر شود و بر این اساس جبران خسارت بزه دیده و رفع آلام ناشی از ارتكاب جرم و مساعدت هتهم در این زمینه، اجرای عدالت را محقق کرده و از مقتضیات آن به شمار می آید همچنین بندهای قاعدهی ۱۲۵ به طریقی با قربانی جرم و تأثیر بزه بر وی مرتبط است از جمله شدت جرم بر اساس تعداد قربانیان و میزان خسارت وارد بر آنان تفسیر می شود و در اساسنامه بیان شده است که رفتار مناسب زندانی می تواند تلاشی در جهت ترمیم آثار سوء ناشی از جرم باشد. این دیوان در رای

۱۰۰۰۳۱: ۱۰۰۰۳۱ (۱) مجله حقوقی، زمستان ۱۳۹۰، سال شانزدهم، شماره ۱، تهران، انتشارات حقوقی

<sup>۲۷</sup>Aggravating Circumstances  
<sup>۲۸</sup>Mitigating Circumstances

خود تخریب گسترده خانه های مسلمانان را نقض جدی حقوق اساسی آنها دانسته در این عمل را در شمار مصادیق اذیت و آزار محسوب می نماید (کریانک ساک، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

#### ۴- جبران خسارت در دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا<sup>۲۹</sup> (۳۱ دسامبر ۱۹۹۴)

جنایات واقع شده در این سرزمین از آنجا آغاز شد که اقلیت تونسی<sup>۳۰</sup> از اواخر سال ۱۹۹۰ پس از آن که حکومت به اکثریت هوتو<sup>۳۱</sup> واگذار شد از سوی دیکتاتور حاکم هایباریمانا<sup>۳۲</sup> و نیروهای شبه نظامی طرفدار او بهنام ایترهامو<sup>۳۳</sup> مورد اذیت و آزار واقع شدند<sup>۳۴</sup> و اقدامات انجام شده برای سرکوب اقلیت تونسی و افراد مخالف از نژاد هوتو که ۸۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند در سال ۱۹۹۴ شدت گرفت و گستردگی این جنایات از یک سو و ناکامی نیروهای حافظ صلح شورای امنیت سازمان ملل جهت ایجاد صلح و آراهش در منطقه از سوی دیگر سبب شد که شورای امنیت به موجب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ تصمیم به ایجاد دادگاه کیفری بین المللی برای رسیدگی به این جنایات بگیرد. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). به اعتقاد برخی نویسندگان با توجه به وسعت و گستردگی جنایات ارتکابی در رواندا بر اساس میزان تعقیب و رسیدگی صورت پذیرفته در این دادگاه حدود ۱۱۳ سال طول می کشد که مظنونین جنایات رواندا که حداقل ۴۰ الی ۶۰ درصد مردان هوتو در آن دخالت داشته اند محاکم شوند. (Ellis, ۲۰۰۲: ۲۲۲).

#### ۵- جبران خسارت در دیوان کیفری بین المللی لاهه<sup>۳۵</sup>

<sup>۲۹</sup>International criminal tribunal for rowanda(ICTR)

<sup>۳۰</sup>Tutsi

<sup>۳۱</sup>Hutu

<sup>۳۲</sup>Habyarimana

<sup>۳۳</sup>Interahamwe

<sup>۳۴</sup>در ششم آوریل این سال هواپیمای رئیس جمهور هایباریمانا، در هنگام بازگشت از یک کنفرانس صلح در تانزانیا ساقط شد و مأموران رژیم، ایستگاه های رادیویی جبهه میهنی رواندا (RPE) که متشکل از پناهجویان تونسی مستقر در اوگاندا بود را مسئول این کار قلمداد کردند، هر چند که هویت واقعی حمله کنندگان هیچ گاه مشخص نشد، اما همین واقعه و در پی آن تبلیغات رژیم حاکم باعث شد که در خلال چند ماه حدود ۸۰۰.۰۰۰ نفر به قتل برسند و زنان و دختران در سطح وسیعی قربانی تجاوز و اذیت و آزار قرار گیرند. شرکت در این جرایم آن چنان گسترده بود که طبق برخی از آمارهای موجود ۴۰ تا ۶۰ درصد مردان هوتو در ارتکاب آنها دخالت داشتند و در اواسط سال ۱۹۹۴ حدود نیمی از جمعیت کشور و رهبری ۵۰ درصد خانوارها را زنان تشکیل می دادند. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۷)

<sup>۳۵</sup>International criminal court (۲۰۰۶: ۱۴۸) MarcHenzelin, VeijoHeiskanen and GueNaeLMettraux,.

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) به عنوان اولین دادگاه دائمی بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ به منظور رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی تشکیل گردید به نحوی که مجمع عمومی سازمان ملل مبادرت به تأسیس دو کمیته جهت بررسی موضوع جهت تشکیل این نهاد دایمی کرد که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ به فعالیت پرداختند و سرانجام در کنفرانس رم اسانامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۳۶</sup> در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید<sup>۳۷</sup> و از اول ژولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردیده است. تأسیس این دیوان در روند تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به تشکیل دادگاه‌های کیفری مختلط از جمله دادگاه تیمور شرقی در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۰۰ (قطعنامه ۲۰۰۰/۱۵)، دادگاه سیرالئون در ۱۴ اوت ۲۰۰۰ (قطعنامه ۱۳۱۵)، دادگاه کوزوو در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۹ (قطعنامه ۱۲۴۴) که در آن آیین‌نامه‌ای جهت انتصاب قضات توسط اداره موقت سازمان ملل متحد در کوزوو (UNMIK) (کسسه، ۲۸:۴۸۷، ۱۳۸۷)، موثر واقع می‌گردد. ساختار شکل گرفته دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک مبنا در موافقت‌نامه شماره ۶ فوریه ۲۰۰۷ سازمان ملل متحد و لبنان جهت تشکیل دادگاه رفیق حریری و موافقت‌نامه شماره ۱۷ مارس ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد و دولت کامبوج جهت تشکیل دادگاه رسیدگی‌کننده به جنایات رهبران خمر سرخ نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیوان کیفری بین‌المللی با استفاده از تجربیات محاکم کیفری موقت سابق و با نگاهی به سوی ارتقا و تکامل عدالت ترمیمی<sup>۳۸</sup> به موجب مفاد اساسنامه و مقررات آیین دادرسی و ادله‌گام‌های موثری برای جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم علیه بشریت از ابعاد مختلف از جمله تأمین خسارات ناشی از جرم، ارزیابی خسارات، شناسایی مسئولان جبران خسارت، شناسایی تأثیر

به موجب بند اول ماده ۷۹ اساسنامه دیوان پیش‌بینی گردیده است که «به منظور حفظ منافع بزه‌دیدگان جرایم موضوع صلاحیت دیوان و همچنین خانواده این بزه‌دیدگان و بنا بر تصمیم مجمع دول عضو دیوان یک صندوق امانی ایجاد خواهد شد.» و بر طبق بند دوم همین ماده «دیوان دستور می‌دهد که وجوه و سایر اموال جمع‌آوری شده از طریق اخذ جریمه و یا ضبط آنها به صندوق امانی منتقل گردد» و نحوه‌ی اداره این صندوق توسط مجمع دولتهای عضو مشخص و تعیین می‌گردد.

<sup>۳۶</sup>Statut de la Cour pénale internationale  
International criminal tribunal for rowanda (ICTR)

<sup>۳۷</sup>کشور ایران در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ اساسنامه دیوان را امضاء ولی تاکنون این سند را به تصویب نرسانده است.

<sup>۳۸</sup>عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که در رابطه با جرم حق یا نفعی دارند گرد هم می‌آیند تا به طور جمعی در رابطه با چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته و راه‌حلی بیابند (Marshall, ۱۹۹۶: ۳۷).

شدت خسارات ناشی از جرم در میزان مجازات و تأثیر جبران آن در اجرای مجازات و نهایتاً صدور حکم به جبران خسارت و تأمین و پرداخت خسارات از محل صندوق امانی، برداشته است. قاعده ۱۲۵ در بیان استانداردهای عمومی برای اعطای عفو یا تخفیف مجازات مواردی را مد نظر قرار داده است که شامل شدت جرم یا جرایمی که محکوم علیه بابت آن در حبس به سر می‌برد و همچنین رفتار مناسب زندانی و هرگونه همکاری زندانی با دادستان در تفسیر مواد فوق و تعیین جایگاه بزه دیده در آن شاید بتوان گفت عبارت «**مقتضیات اجرای عدالت**» ماده ۲۸ اساسنامه می‌تواند به نفع بزه دیده نیز تفسیر شود. موضوع تأمین خسارت‌های ناشی از جرم و به‌کارگیری اقدام‌های تأمینی در مراحل اولیه‌ی تعقیب یکی از راه‌هایی است که امکان اجرای حکم به جبران خسارت را در مراحل بعدی فراهم می‌سازد. تأمین خواسته (تضمینی است که مدعی از اموال مدعی علیه قبل از صدور حکم به نفع خویش بر می‌دارد)، اخذ وثیقه و تضمین پس از صدور حکم، «**تأمین محکوم به**» نام دارد که در این خصوص اساسنامه دیوان در بند «ه» پاراگراف سوم ماده‌ی ۵۷ امکان تأمین اموال متهم را در نظر گرفته است و مطابق این بخش در صورتی که مجوز دستگیری یا احضاریه‌ای مطابق ماده ۵۸ صادر شود با توجه به اعتبار ادله و حقوق طرفین دعوی به نفع متهم در این اساسنامه و آیین دادرسی و ادله، همکاری دولت‌ها را برای انجام اقدام‌های تأمینی به منظور ضبط اموال به ویژه حفظ منافع نهایی قربانیان براساس بند «ی» پاراگراف اول ماده‌ی ۹۳ طلب می‌نماید و دول عضو را مکلف به اجرای این مواد دانسته است که شامل «شناسایی، ردیابی، ضبط یا توقیف اموال، دارایی‌ها و ابزاری که به جرم مرتبطند به منظور مصادره احتمالی از آنها بدون آنکه به حقوق اشخاص ثالثی که دارای حسن نیت بوده‌اند ضرری وارد شود». در خصوص صدور حکم به جبران خسارت ماده‌ی ۷۵ اساسنامه‌ی دیوان تحت عنوان «**پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان**» به نحوه‌ی گنجاندن این الزام در حکم صادره و نقش قربانیان در این خصوص توجه کرده است. به موجب پاراگراف دوم این ماده «دیوان می‌تواند مستقیماً دستوری علیه محکوم علیه صادر نموده و نحوه‌ی مناسب جبران خسارت بزه‌دیدگان و یا در ارتباط با آنان را از جمله استرداد، غرامت و یا اعاده وضع به حال سابق معین نماید و دیوان میتواند در صورت اقتضا دستور دهد که پرداخت‌های مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی (موضوع ماده ۳۹۷۹) صورت گیرد». و این صندوق در سال ۲۰۰۴ و در اجرای بند اول از ماده ۷۹ اساسنامه

<sup>۳۹</sup> به موجب بند اول ماده ۷۹ اساسنامه دیوان پیش‌بینی گردیده است که «به منظور حفظ منافع بزه‌دیدگان جرایم موضوع صلاحیت دیوان و همچنین خانواده این بزه‌دیدگان و بنا بر تصمیم مجمع دول عضو دیوان یک صندوق امانی ایجاد خواهد شد.» و بر طبق بند دوم همین ماده «دیوان دستور می‌دهد

توسط مجمع عمومی دولت های عضو به وجود می آید. (Marc Henzelin, ۲۰۰۶: ۱۴۸). دیوان به موجب اختیار مندرج در بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه برای حفظ سلامت جسمی و روحی و همچنین حفظ امنیت بزه دیدگان و شهود می تواند تدابیر متنوعی را در پیش بگیرد از جمله مهم ترین آنها تشکیل واحد رسیدگی به امور بزه دیدگان و شهود، واحد مشارکت و جبران خسارت بزه دیدگان، دفتر مشاوره عمومی ویژه بزه دیدگان، صندوق معاضدت بزه دیدگان می باشد. (Garbett, ۲۰۱۷: ۲۱۴).

### ۱-۵ پرونده جرمن کاتانگا

اولین پرونده قابل بررسی در موضوع جبران خسارت که دیوان ضمن صدور رأی اصلی حکم به جبران خسارت بزه دیدگان صادر نمود پرونده معروف به **جرمن کاتانگا** می باشد در این پرونده دادرسان شعبه دوم دیوان کیفری بین المللی با صدور رأی حکم به پرداخت غرامت و جبران خسارت قربانیان دادند که در نتیجه ارتکاب جنایات واقع شده در خلال حمله به بوگورو در ناحیه شرقی کنگو در سال ۲۰۰۳ میلادی صورت پذیرفته بود. این نخستین بار بود که دیوان کیفری بین المللی حکم به جبران خسارت می دهد در رأی دادرسان دیوان آمده است که به ۲۹۷ نفر از قربانیان شناسایی شده در این پرونده هر کدام مبلغ ۲۵۰ دلار آمریکا به صورت نمادین و انفرادی پرداخت شود، دادرسان اذعان داشته اند که این مبلغ جبران کننده همه خسارت های وارده نمی باشد لیکن می تواند جبران خسارت معناداری باشد که بخشی از آلام قربانیان را التیام بخشد همچنین جبران خسارت جمعی در قالب حمایت از خانه سازی، فعالیت های تولیدی و درآمد زایی و حمایت از فعالیت های آموزشی و درهانی مورد حکم دادرسان واقع می گردد با این حال با توجه به عدم توانایی مالی محکوم علیه در تأمین و تادیه این خسارت ها صندوق امانی دیوان دعوت شده است تا با ارایه طرحی مکانیسمی برای تأمین منابع این جبران خسارت ارایه دهد. جرمن کاتانگا در سال ۲۰۱۴ میلادی به معاونت در ارتکاب جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت از طریق تسلیح کردن نیروهای خود به ۱۲ سال زندان محکوم شد. با احتساب دوران بازداشت پیش از محکومیت زمان محکومیت وی در سال ۲۰۱۶ میلادی پایان یافت و آزاد گردید ولی با این حال دولت کنگو وی را جهت محاکمه در ارتباط با دیگر اتهامات بار دیگر بازداشت نمود، کاتانگا، جلسه صدور حکم جبران خسارت

که وجوه و سایر اموال جمع اوری شده از طریق اخذ جریمه و یا ضبط آنها به صندوق امانی منتقل گردد» و نحوه ی اداره این صندوق توسط مجمع دولت های عضو مشخص و تعیین می گردد.

خود را به صورت زنده از سلول خود در زندان کنگو مشاهده می نمود، Rene Provost, (۲۰۰۲:۲۰۲).

## ۲-۵ پرونده توماس لوبانگو

«توماس لوبانگو» رهبر یکی از گروه‌های شبه‌نظامی مخالف دولت کنگو با نام موسسان اتحادیه وطن پرستان کنگو<sup>۴۰</sup> در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ میلادی با اتهامات به کار گرفتن «کودک سرباز»، قتل و تجاوز محکوم شد. شعبه دادرسی در همان سال وی را به ۱۴ سال زندان محکوم نمود و محکومیت وی در سال ۲۰۱۴ میلادی توسط شعبه تجدیدنظر دیوان تأیید شد. دیوان در رأی خود با ملزم ساختن محکوم علیه به جبران خسارت قربانیان به صورت جمعی، جبران خسارت را نیز معین ساخت. در پرونده لوبانگو به صورت خاص نظر دیوان بر جبران خسارت جمعی بزه دیده گان قرار گرفت و پس از تجدیدنظرخواهی از رأی شعبه تجدیدنظر در اوایل سال ۲۰۱۵ میلادی رأی خود را در این باره صادر نمود و با اصلاح مواردی از تصمیم شعبه دادرسی، صندوق امانی حمایت از بزه دیدگان دیوان را ملزم به تهیه پیش‌نویسی جهت اجرای اصول جبران خسارتی که خود وضع کرده بود نمود. (Wolfgang Kaleck, Michael Ratner, Tobias Singelstein, ۲۰۰۷: ۶۶). شعبه تجدیدنظر در رأی صادره که در بردارنده اصول جبران خسارت بزه‌دیده‌گان می‌باشد بیان می‌کند که جبران خسارت بزه‌دیده‌گان در راستای تکمیل وجه تنبیهی عدالت کیفری با اعمال بزه دیده هداری است. در رأی به موضوع جبران خسارت به صورت فردی و یا جمعی توجه می‌شود و جبران خسارت را شامل مصادیق پرشماری مانند پرداخت غرامت و ترمیم و اعاده وضعیت قربانی انتشار گسترده حکم محکومیت محکوم علیه و یا سایر اعمال نمادین مانند عذرخواهی می‌داند و همچنین اعاده وضعیت بزه دیده را نیز شامل مصادیق زیادی مانند تداوم تحصیل، بازگشت به خانواده، تأمین مسکن و شغل پیشین و بازگرداندن اموال می‌داند و غرامت در جایی پرداخت می‌شود که خسارت اقتصادی وارده قابل شمارش و تبدیل به پول باشد و همچنین مناسب و متناسب باشد با لحاظ وجود منابع تأمین آن و در جایی نیز که ضرر وارده در قالب مالی قابل تعریف نیست، پرداخت غرامت می‌تواند به عنوان یک التیام قلمداد شود. فرایند جبران خسارت می‌بایست در یک بازه زمانی استمرار داشته باشد بنابراین پرداخت غرامت به عنوان نمونه، یک جا نمی‌بایست صورت پذیرد بلکه در دوره‌های مختلف و به تناوب می‌بایست محقق شود. (اسدی، ۱۳۸۸: ۹۹)

<sup>۴۰</sup>Union des Patriotes Congolais(UPC)

## ۳-۵ پرونده ژان پیر بمبا

وی فرمانده گروه شبهه نظامی در کنگو بود که در ۲۱ مارس ۲۰۱۶ به حکم داد گاه بدوی به اتهام جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت علیه نیروهای آزادی بخش کنگو به هجده سال حبس محکوم می‌گردد که مهمترین این اتهامات شامل قتل، تجاوز جنسی و غارت در جمهوری آفریقای مرکزی در فاصله زمانی ۲۶ اکتبر ۲۰۰۲ تا ۱۵ مارس ۲۰۰۳ بود و این نخستین باری بود که یک فرد بر اساس مدل مسوولیت فرماندهی به ارتکاب جرایم جنسی محکوم می‌گردد و این رای نخستین محکومیت در حوزه جرایم جنسی در دیوان نیز بوده است. بر اساس مدل مسوولیت فرماندهی که از ابداعات نظام حقوقی دیوان است یک فرمانده نظامی و یا رهبر ارشد سیاسی نسبت به رفتارهای مجرمانه نیروهای تحت کنترل خود دارای مسوولیت می‌باشد اگر با آگاه از وقوع جرایم نسبت به به پیشگیری از آنها اقدام ننماید و یا پس از اطلاع نسبت به تعقیب کیفری مرتکبان اقدامی انجام نداده باشد. در هشتم ژوئن ۲۰۱۸ شعبه تجدید نظر دیوان ضمن نقض رای شعبه بدوی در رای خود بیان میکند که شعبه بدوی در رای خود دچار اشتباه گردیده است چون به اشتباه ایشان را نسبت به اقداماتی محکوم کرده است که خارج از دایره اتهامات اتفاق افتاده بوده است و همچنین بیان میکند که شعبه بدوی نتوانسته است انگیزه های بمبا و اقدامات بالقوه ای که می‌توانسته است جهت جلوگیری از وقوع این جنایات توسط زیر دستانش انجام شده یا خیر را ارزیابی کند. ۵-۴ پرونده احمد الفقی المهدی

احمد الفقی در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶ از سوی دادستان دیوان کیفری بین المللی متهم به ارتکاب جرایم جنگی از طریق هدایت قاصدانه حملات علیه ساختمان های مذهبی و بنا های تاریخی می‌گردد وی پس از بازداشت توسط دولت نیجر از سوی مقامات این کشور تحویل دیوان کیفری بین المللی می‌گردد و شعبه هشتم دیوان به موجب رای صادره در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۶ وی را به اتهام جنایت جنگی موضوع حمله عمدی به ۱۰ بنای مذهبی و تاریخی و اموال حفاظت شده در شهر تیمبوکتو از تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ لغایت ۱۰ جولای همان سال محکوم می‌نماید و این اولین بار است که اتهام صدمه رساندن به میراث فرهنگی و بنا های مذهبی نزد دیوان کیفری بین المللی مطرح می‌شود، موضوعی که از آن به عنوان ژنو سید فرهنگی نیز یاد می‌شود. علاوه بر این، پرونده «الفقی» اولین پرونده در وضعیت «هالی» است که از سال ۲۰۱۳ میلادی تحت تحقیقات دادستان بوده است. دولت هالی در سال ۲۰۱۲ میلادی وضعیت جاری در این کشور را به دادستان دیوان کیفری بین المللی ارجاع داد و به جرایم احتمالی واقع شده در وضعیت مالی از نیمه سال ۲۰۱۲ میلادی آغاز نمود. قرار جلب

صادره از سوی دیوان اعلام می‌دارد که «بنیان معقولی» برای باورمندی به این امر وجود دارد که یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی از اول سال ۲۰۱۲ میلادی در کشور مالی آغاز شد که در بازه زمانی ارتکاب جرایم مورد ادعا نیز ادامه داشته است. در خلال این چندماه، شهر «تیمبوکتو» در کنترل گروه «القاعده در مغرب اسلامی» و گروه «انصار الدین» بوده است. بنابراین قرار جلب صادره، «الفقی» که تابعیت کشور مالی را دارا می‌باشد در اشغال این شهر نقش مهمی ایفا کرده است. وی که از اعضای «انصار الدین» بوده است با سران این گروه و گروه مسلح دیگر ارتباط نزدیکی داشته است. دادرسان شعبه تجدید نظر بنا بر ادله ای که از سوی دادستان دیوان ارایه شده بود به این جمع بندی رسیدند که بنیان معقولی وجود دارد که الفقی به صورت فردی و یا با مشارکت دیگران نسبت به هدایت قاصدانه حملات علیه بناهای تاریخی و مذهبی دارای مسوولیت می‌باشد. مسجد سید یحیی و مقابر برخی از شخصیت های تاریخی در ثبت یونسکو می‌باشند اهدافی بوده اند که امواج حملات تحت هدایت ایشان واقع شده اند. کارشناسان میراث فرهنگی در هنگامه تخریب مساجد و آرامگاه های واقع در شهر تاریخی تیمبوکتو آن را با تخریب مجسمه های بودا در افغانستان مقایسه نمودند. پس از اعتراف المهدی در در روز اول محاکمه و عذر خواهی ایشان اتهامات وی در ۲۴ مارس ۲۰۱۶ به تایید شعبه مقدماتی می‌رسد و از نظر زمان دادرسی کوتاه ترین مدت رسیدگی میان پرونده های دیوان را به خود اختصاص می‌دهد و دیوان در رای صادره در سال ۲۰۱۷ همچون آراء سابق خود با لحاظ کلیه ابعاد مادی و معنوی جبران خسارت از جمله دردهای روحی، غصه های ناشی از دست دادن خاطرات کودکی، سلب فرصت برقراری رابطه با اعضای جامعه و اختلال در زندگی فرهنگی و بررسی میزان و دامنه آسیب های وارده بر بزه دیدگان از جمله کسانی که مقبره های اجدادشان تخریب شده بود، در دو بعد جبران خسارت فردی و جمعی، علاوه بر محکومیت ۹ سال حبس در مجموع مبلغ ۲/۷ میلیون یورو را به عنوان جبران خسارت کل آسیب های مادی وارده در نظر میگیرد و مبلغ یک یورو را جهت جبران خسارت به صورت نمادین برای سازمان یونسکو به عنوان نماینده جامعه جهانی تعیین میکنند و در خصوص خسارات اقتصادی ناشی از صدور دستور حملات میزان ۲/۱۲ یورو و مبلغ ۴۸۳۰۰۰ یورو نیز جهت جبران آسیب های روحی و نهیتا در خصوص آسیب های وارده بر اماکن تحت حمایت یونسکو مبلغ ۹۷۰۰۰ یورو در حکم صادره لحاظ میکند ولی با توجه عدم توانایی المهدی برای جبران خسارات تعیین شده در عمل بار جبران خسارات بر دوش صندوق جبران خسارت بزه دیدگان قرار میگیرد و صندوق به عنوان نهاد اجرایی در گام نخست موظف به ارائه طرحی پیشنهادی برای اجرای حکم جبران خسارت شد و جبران خسارت فردی بر جمعی اولویت





شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۸۶)، *اسناد دیوان کیفری بین المللی*، چاپ اول، انتشارات جنگل، جاودانه، ص ۱۲-۶

شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳)، «اصل برائت و موارد عدول آن در حقوق کیفری»، مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۴.

داعی، علی (۱۳۹۱)، *حق داد خواهی و جبران خسارت قربانیان نقض های شدید حقوق بین الملل بشر دوستانه*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، *افق های عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری*، انتشارات دانشور، ص ۹۶.

کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷)، *حقوق کیفری بین المللی*، ترجمه حسین پیران و سایرین، انتشارات جنگل، ص ۴۲۸.

کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، *حقوق بین الملل کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، ص ۲۲۰.

گرین وود، کریستوفر (۱۳۸۴)، *دیوان بین المللی برای یوگسلاوی سابق*، ترجمه دکتر مهرداد سیدی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۹-۷۳، ص ۳۶۲.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، «نسل کشی و خشونت جنسی در رواندا»، مجموعه مقالات حقوق جزای بین الملل، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان. صص ۱۳۶-۱۸۷.

#### ب) انگلیسی

Ellis, Mark (۲۰۰۲), "The International Criminal court And Its Implication for pomestic law and National capacity Bulding" Florida Journal of International law, vol. ۱۵, P.۲۲۲.

Garbett, Clair (۲۰۱۷), "The International Criminal Court and restorative justice victims, participation and The processes of justice", International journal, p.۱۹۸-۲۲۰.

Marc, Henzelin, Veijo Heiskanen and GueNaeLMettraux (۲۰۰۶), "Reparations to Victims before the International Criminal Court: Lessons from International Mass Claims Processes", ۱۷ Criminal Law Forum, p.۱۴۸.

Mark Lattimer and Philippe Sands (eds) (۲۰۰۳), "Justice for Crimes Against Humanity", Hart Publishing Oxford And Portland, Oregon, p. ۲۲.

Marshall, Tony (۱۹۹۶), "*Criminal Mediation in Great Britain 1980-1996*", European Journal on Criminal Policy and Research, p.۳۷.

Orio, Alphons (۲۰۰۶), *Accusatorial V. Inquisitorial criminal poceedings prior to the establishment to ICC in the proceeding befor the ICC, in the Antonio casset*, Oxford University Press, First Punbihd, vol.II, p.۱۴۵۷.

۸) Rene Provost (۲۰۰۲), *International Human Rights and Humanitarian Law*, Cambrigde, New York, p.۲۰۲.

۹) Werle, Gerhard (۲۰۰۵), *principles to International law*, Netherland T.M.C Asser press, p.۲۲۴.

۱۰) Wolfgang Kaleck, Michael Ratner and Tobias Singelstein (۲۰۰۷), "International Prosecution of Human Rights Crimes", Springer, p. ۶۶.

**Compensation for victims of crimes against humanity under international law with emphasis on the Statute of the International Criminal Court (ICC)**

**Abstract**

The need for an effective criminal policy in any legal system is to pay attention to the rights of victims and fully compensate them for the harm caused by crime, so that the specific position of crimes against humanity can be examined among other international crimes. Rules and regulations relating to compensation for victims of crimes against humanity from the beginning of the recognition of this concept in international criminal courts, including the statutes of the International Criminal Court of Nuremberg and Tokyo, the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia and Rwanda, and subsequent efforts by the Court. International criminal law in this regard and criteria The provisions of this Code and the Rules of Procedure of the Court, as well as the review of important rulings and the judicial procedure of these courts regarding the compensation of victims, in European conventions and The American Human Rights Watch notes the most important cases of the International Criminal Court and the role of the Trust Fund in compensating victims of such crimes.

Keywords: Compensation, Victims, Crimes against Humanity, Restorative Justice, International Criminal Court.